

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۴

۲۱۴

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴

Ayeneh-ye-

Pazhoohesh

Vol.36, No.4

Oct - Nov 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

214

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

ایلیا گرشویچ / سید احمد رضا قائم مقامی | رسول جعفریان | سید علی میرافضلی | فاطمه شاملو | مریم حسینی
لیلا عبدی خجسته / سمیع الله | عبدالجبار رفاعی / محمد سوری | مجید جلیسه | امید طبیب زاده
الیو برانکافورته / روزچهر مصاحب | سید محمد حسین حکیم | آنتونیو پانایینو / لیلی وره رام
امیرخانی | حیدر عیوضی | زکی نجیب محمود / حمیدرضا تمدن | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی
حمید عطائی نظری | میلاد بیگدلو | علی راد | سیدرضا باقریان موحد | علی ایمانی ایمنی | جویا جهانبخش

لقبی اشکانی در سرود جان و اشاره ای به اصل لغت سارویه و سابقه نام تخت جمشید
نسخه خوانی (۴۲) | احمدشاد غزنوی و صدر کرمانی | محبوبیت سفرنامه های فرنک ناصرالدین شاه در
هندوستان متّحده | از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۳)
چاپ نوشت (۲۱) | سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه ولیک (۳)
سخنان حکمت آمیز زبان فارسی در سفر به غرب | وقفنامه ای از آخرین روزهای زندگی شیخ بهایی
دو گزارش نجومی از کارنامه اردشیر بابکان (۳: ۴-۷؛ ۴: ۶-۷) | ماجرا کم کن؛ گزارش بیتی از حافظ
آینه های شکسته (۱۱) | داستان احیای اندیشه فلسفی در مصر | یادداشت های لغوی و ادبی (۶)
اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر | «و سخت عجب است کار گروهی از
فرزندان آدم!» | کتابی با عنوان حاصل الترجمان؟ | طومار (۱۳) | فیض گفتار نجف

کتاب شناسی دبیرستان البرز تهران

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش:

♦ قنیه الفتیان

♦ یادنامه استاد موسی اسوار



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش

Jap.isca.ac.ir

جای چنین کتاب‌ها هیچ‌گاه در زباله‌دان نیست!

(درباره یکی دو تغییر از کتابِ عُمُر کوتاه، هنرمندگار)

جویا جهانبخش

| ۴۵۷ - ۴۶۱ |

۴۵۷

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

● عُمَرُ کوتاه، هُنَرِ ماندگار: چَند رساله از بُقراط، پَدَرِ طِب، تَرْجَمَه: مُحَمَّدِإِسْمَاعِيلِ فِلَزِّي، ج: ۱، تهران: نشرِ کَرگَدَن، ۱۴۰۴ ه.ش.

آقای مُحَمَّدِإِسْمَاعِيلِ فِلَزِّي چَند رساله از میراثِ طِبِّی حکیم و طَبیبِ نامی یونانی، بُقراط، را به زَبانِ فارسی تَرْجَمَه کرده‌اند و نامِ این مَجْموعه را هم از جُمْلَه مَشْهُورِی بَرگِرْفته‌اند که از خود بُقراط مَأثور است.

دَرْبَارَه این که عبارت «عُمَرُ کوتاه، هُنَرِ ماندگار»، تا چه اندازه گویا و رساست و هیچ مَقْصودِ بُقراط را به خواننده می‌رساند یا نمی‌رساند، می‌توان گفت وگو کرد؛ به‌ویژه از آن روی که أَهْلِ فَن می‌دانند مُراد از «هُنَر» در این سَخَنِ پُرآوازه فَرْزانه دیرینه‌روزی یونانی، نه آن است که بیشینه امروزیان در نگاه نَخُست از آن درمی‌یابند... امروزیان، از واژه «هُنَر»، به یاد هَمین "هُنَرهای زیبا"ی مُصْطَلَح و "صَنایعِ مُسْتَظَرَفَه"ی شایع در لِسَانِ سابقین می‌افْتَنند؛ حال آن که «هُنَر»، در این جا، بیشْتَر بَر آنچه "پیشه" و "مِهَارَت" و "فَن" و "صِنَاعَت" می‌خوانیم، دَلالَت می‌کُند.

این عبارتِ بُقراط، به ریختِ «الْعُمَرُ قَصِيرٌ وَالصَّنَاعَةُ طَوِيلَةٌ» نَزْد قُدَمایِ ما مُسْلِمَانان شُهْرَتی داشته است و آن را آغازِ کِتَابِ الْفُصُولِ او قَلَم می‌داده‌اند^۱ و گاه چونان مثلی سائر به کارش می‌بُرده‌اند.

خود عبارتِ تازی «الْعُمَرُ قَصِيرٌ وَالصَّنَاعَةُ طَوِيلَةٌ» را به ریختِ هایِ گوناگون می‌توان به زَبانِ فارسی درآورد. ... چُنین در یاد دارم که در سال‌هایِ دور، در یکی از مَقالاتم - گویا در مَجْلَه جَهانِ کِتَاب، در تَرْجَمَه آن نِوِشته بودم: «زِندگیِ کُوتَه‌سُت و کارِ دَراز»^۲. ... مَن زَبانِ یونانی نمی‌دانم و

۱. زَکَر: تاریخِ یَعْقُوبی، أَحْمَد بن أَبِي یَعْقُوب بن جَعْفَر بن وَهَب بن وَاضِح الکَاتِب العَبَّاسی المَعْرُوف بِالیَعْقُوبی، بَیروت: دارِ صَادِر، ۹۵/۱؛ و: فِرْدَوْسُ الْحُکْمَةِ فِی الطَّبِّ، أَبُو الْحَسَنِ عَلِی بن سَهْل بن رَبِیع الطَّبْرَی، قَدْ اغْتَنَى بِنَشْخِهِ وَ تَضَحَّيْجِهِ: الدُّکْتُور مُحَمَّدُ زُبَیْر الصَّدِیقِی، بَرلین، ۱۹۸۲ م، ص ۵؛ و: المَثَلُ السَّائِرُ فِی آدَبِ الْکُتَابِ وَ الشَّاعِرِ، ضِیاء الدِّین ابنِ الْأَثیر الجَزَرِی، قَدْ مَ لَهُ وَ حَقَّقَهُ وَ عَلَّقَ عَلَیْهِ: دُکْتُور أَحْمَد الحُوفی - و: دُکْتُور بَدْوِی طِبَّانَة، ۴ ج، ط: ۲، القاهرة: دارِ نَهْضَة مَضَر لِلطَّبْعِ وَ النُّشْر، ۱۴۵/۳؛ و: مَسْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ، ابنِ أَبِي الْحَدید، بِتَحْقِیقِ: مُحَمَّدُ أَبُو الْفَضْلِ إِبْرَاهِیم، ج ۲، ط: ۱، دارِ إِحْیَاءِ الْکُتُبِ الْعَرَبِیَّة، ۱۳۷۸ ه.ق.، ۱۰۴/۲؛ و: تَفْسِیرُ الْفَخْرِ الزَّائِی الْمُشْتَهَر بِتَفْسِیرِ الْکُبَرِ وَ مَفَاتِیحِ الْغَیْبِ، الْإِمَامُ مُحَمَّدُ الزَّائِی فَخْر الدِّین ابنِ الْعَلَمَةِ ضِیاء الدِّین عُمَرُ الْمُشْتَهَر ب: سَخَطِیْبِ الزَّی، ط: ۱، بَیروت: دارِ الْفِکْرِ لِلطَّبَاعَةِ وَ النُّشْرِ وَ التَّوْزِیع، ۱۴۰۱ ه.ق.، ۷۷/۱۸؛ و: الْمَثَلُ وَ التَّحْلِ، أَبُو الْفَتْحِ مُحَمَّدُ بنِ عَبْدِ الْکَرِیم بنِ أَبِي بَکْرٍ أَحْمَدُ الشَّهْرَسْتَانِی، تَحْقِیقِ: مُحَمَّدُ سَیِّد کِیلَانِی، بَیروت: دارِ الْمَعْرِفَةِ، ۱۱۱/۲؛ و: الذَّرِیْعَةُ إِلَى تَصَانِیفِ الشَّیْعَةِ، الْعَلَمَةُ الشَّیخُ أَقَابُزُّرْگُ الظَّهْرَانِی، ط: ۳، بَیروت: دارِ الْأَصْوَاء، ۱۴۰۳ ه.ق.، ۳۸۲/۱۳.

۲. هَنگامِ نِوِشتنِ این یادداشتِ دِیدم که رَوَانِ شاد دُکُتَر مُحَمَّدُ إِبْرَاهِیمِ آیتِی (۱۲۹۴ - ۱۳۴۳ ه.ش.) در تَرْجَمَه تاریخِ یَعْقُوبی عبارتِ عَرَبِی مَوْرِدَ نَظَر را چُنین به فارسی بَرگَزْدانیده است: «عمر کوتاه است و کارِ پَرشکیِ طَوِلانی» (تاریخِ یَعْقُوبی، أَحْمَد بنِ أَبِي یَعْقُوب «ابنِ وَاضِحِ یَعْقُوبی»، تَرْجَمَه: دُکُتَر مُحَمَّدُ إِبْرَاهِیمِ آیتِی، ج: ۲، تهران: بُنگاهِ تَرْجَمَه و نَشْرِ کِتَاب، ۱۳۵۶ ه.ش.، ۱۱۷/۱). ... تَرْجَمَه ای است تَفْسِیر آمیز.

زین روی آگاه نیستیم که این برگردان با اَصْل عبارت یونانی بقراط مُناسَبِت تام دارد یا نه. ... و اُنْگَهی، شُنده‌ام خود عبارت موجز حکیم یونانی نیز تفسیرهای مُخْتَلَفی را بَرْتافته است و کسان در اُنْدَرِیافتِ اَصْلِ آن هم‌راه و هم‌سُخَن نیستند.

آقای مُحَمَّد اِسْماعیل فِلْزِی عبارت اَصْلِی بقراط را در آغاز رساله گزاره‌ها چنین ترجمه کرده‌اند: «عُمُر کوتاه است و هُنر ماندگار» (ص ۵۷).

بُگذریم. ... مُقدّمه بر اَصْل زائد آمد!

آقای فِلْزِی رساله‌های بقراط را از زبان یونانی ترجمه نکرده‌اند. ایشان در پایان مُقدّمه مُترجم نوشته‌اند:

«... در ترجمه بخشی از رساله‌های بقراط که در این کتاب ملاحظه می‌کنید از ترجمه آثار او به زبان انگلیسی، توسط فرانسیس آدامز (۱۷۹۶-۱۸۶۱ م)، پزشک و مترجم اسکاتلندی، و ویلیام هنری ساموئل جونز (۱۸۷۶-۱۹۶۳ م)، مورخ و محقق بریتانیایی، و مجموعه گزیده آثار بقراط، ترجمه چادویک و مان ... استفاده شده است. بدان امید که روزی پزشکی مسلط به زبان یونانی کمر همت بریندد و با ترجمه همه آثار بقراط از زبان اصلی، این کتاب را راهی زباله‌دان تاریخ کند.» (ص ۱۵).

پیدا است آقای فِلْزِی، اَفْزُون بَر خَفْضِ جَنَاح و کَم زَنی - که در جای خود مُسْتَحْسَن است -، با اِسْتِخْدَام تَعْبِیر «زباله‌دان تاریخ»، طَنْزِی تَلْخُ گونه نیز در کار کرده‌اند؛ چه، تَعْبِیر «زباله‌دان تاریخ»، سَابِقَه و صِبْغَه و جِهَت اِسْتِغْمَالِی ویژه‌ای دارد.

به هر روی، این مکتوب ایشان، سُخَنی را فَرَا یَدِ مَن آوَرْد از اُستاد اَنوشه یاد مُجْتَبِی مِیْنُو (۱۲۸۱- ۱۳۵۵ ه. ش.) که مَضْمُونی دارد کَمابیش مُشابه و صَوْرَت و پَرْداخْتی که از لَوْنی دیگر است؛ و اَلْبَتَه مَن بَنْدَه کَمْتَرین را، نَحْوَه بَیانِ مِیْنُو خوش‌تر می‌آید.

اُستاد مِیْنُو در پایان مُقدّمه‌ای که بر کتاب پُریه‌ای پانزده گُفتار دَرباره چُنْد تَن از رِجَالِ اَدَبِ اُروپا از اومیروس تا پرنادشا نوشته است، چنین فرموده:

«... آنچه بود بر طبقِ اِخلاص عرضه داشتم، و بی‌نهایت خوش‌وقت خواهم شد که بزودی آن قدر در باب شعر و ادب و تئاتر اروپا به فارسی کتب بنویسند که این اوراق بکلی فراموش شود.»^۱

۱. پانزده گُفتار دَرباره چُنْد تَن از رِجَالِ اَدَبِ اُروپا از اومیروس تا پرنادشا، مُجْتَبِی مِیْنُو، ج: ۴، تهران: اِنْتِشَارَاتِ تَوس، ۱۳۸۳ ه. ش.، ص ۳۰۰.

آری؛ حُسنِ تعبیر و قُوّتِ تأثیرِ نوشته‌اشْتادِ میثوی چیزِ دیگری است. گُمان می‌کنم در حال و هوایِ دیگری هم اِنشا شده باشد. ... باری، پانزده‌گفتارِ میثوی نیز فراموش نشد و نخواهد شد؛ نه فقط از آن روی که هنوز در بابِ شعر و ادب و تِناثرِ فرنگستان به قدرِ کافی کتابِ خوبِ مفید به فارسی نوشته نشده است؛ بَل از آن روی که حتّی اگر روزی آن قدرِ کتابِ خوبِ خواندنی در این زمینه داشته باشیم که دیگرِ محتوایِ پانزده‌گفتارِ برای ما هیچ تازگی و طراوت نداشته باشد، باز هم جایگاهِ تاریخی و فَضْلِ تَقْدُّمِ پانزده‌گفتارِ نزدِ مرْدمانِ ذی‌شُعورِ با مَعْرِفَتِ مَحْفُوظ خواهد بود؛ هم نثرِ مُمتاز و اِنشای قُوْثَمُنْدِ میثوی و شِگَرْدَهایِ نویسنْدگیِ آن بُزرگ، تا دیرِ زمان، بی‌رونق نمی‌گردد و از برایِ جویندگانِ این صِناعت در شُمارِ سَرْمَشُق‌ها خواهد ماند.

آقای مُحَمَّد اِسْماعیلِ فِلِزّی هم خِدْمَتی کرده‌اند؛ و حتّی اگر روزی دیگران همه آثارِ بُقراطِ حکیم را از زَبانِ أَضَلّی آن‌ها به فارسی درآورند، اَرَجِ این تَرْجَمَه چنْد رساله از بُقراط و خِدْمَتی که آقای فِلِزّی کرده‌اند، هرچه هست، مَحْفُوظ خواهد بود. ... جای چنین کتاب‌هایِ به‌آوَر، هیچ‌گاه در ژبانه‌دان نیست؛ حتّی در ژبانه‌دانِ تاریخ!